

نامه نگاری (۲) نامه به دوستان و نزدیکان

نامه زیر را باهم بخوانیم :

فرزند عزیزم سلام،

هم اکنون نامهات را خواندم. تأثیر آن را می توانی حدس بزنی؛ بی تابانه چشم به راه نامهات بودم. به من حق خواهی داد که متوقع باشم. حال من و مادرت خوب است. بحمد الله سلامتیم. خواهرت پس از ماه ها تلاش موفق شد در مرحله اول المپیاد ادبی کشور پیروز شود و آماده می شود تابستان امسال به رقابت چهل و پنج نفر دیگر برود.

راستی در نامهات از کلاس های درس، استادان، فضای دانشگاه و ... برایم بنویس. می خواهم بدانم که آیا تاکنون توانسته ای خودت را با آن محیط مطابقت دهی یا نه؟ خوب است بدانی تا چند ماه دیگر بازتست می شوم و مانده ام جز مطالعه، چه سرگرمی یا کار دیگری برای خودم پیدا کنم.

فرزندم، سعی کن در کنار درس و کلاس و تحقیق و پژوهش از مطالعات جنبی نیز بازمانی.

پدرت

در مقایسه این نامه با نامه های اداری درمی یابیم که جملات بیشتری در آن به کار رفته است، از الگوی خاصی پیروی نمی کند، بیشتر ابتکاری و موافق با ذوق و طبع نویسنده و نوع مناسبات او با مخاطب است.

این نامه عاطفی تر، صمیمی تر و بی تکلف تر است و حرف های خصوصی در آن طرح شده است. به این نامه، یک **نامه خصوصی و دوستانه** می گوئیم.

اگر بخواهیم برای این گونه نامه ها ویژگی هایی قائل شویم، اساسی ترین ویژگی آنها این است که تقلیدی نیستند، لحن کلام در آنها صمیمی و خودمانی است و از هر گونه تکلف

به دورند. ویژگی دیگر این نامه‌ها قالبی نبودن آنهاست.

نامه خصوصی را هرکس به شیوه دلخواه خود شروع و ختم می‌کند. متن این نامه‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است. حسن نامه خصوصی در این است که همه عناصر آن از تصنع خالی باشند. بار معنایی در نامه‌ای که با عبارت‌های قالبی آغاز می‌شود و با آنها پایان می‌یابد، بسیار ضعیف است؛ در حالی که اگر نامه با عبارت‌های ابتکاری – البته بی‌تکلف – و توأم با تازگی، آغاز گردد و پایان یابد، ضمن داشتن بار معنایی تأثیری مطلوب بر خواننده خواهد گذاشت.

به این جمله‌ها که در آغاز چند نامه آمده‌اند، توجه کنید :

□ اکنون که با تو درد دل می‌کنم خاطرم آزرده و دلم گرفته است، این آزرده‌گی خاطر و گرفتگی دل برای توست. می‌دانم که سخت تنهایت گذاشته‌اند.
□ از روز نگارش آخرین نامه من چند ماه و شاید بیش از دو فصل می‌گذرد و گویی همین دیروز بوده است.

□ درست است که از بازگشت به آغوش خانواده بسیار خوش‌حالم ولی در ته دل چیزی غیر عادی احساس می‌کنم و آن حضور توست. حضور پیوسته تو و از جان و دل آرزو دارم که یک روز همدیگر را ببینیم.

□ هم‌اکنون نامه تبریکت را دریافت کردم. از این که هفته‌ها چشم به راهم گذاشتی و وادارم ساختی نامه‌ای آن‌چنانی را به تو بنویسم، باید شرم کنی؛ باری تو را می‌بخشم.
□ نامه‌ام را که بازخوانی کردم، خواستم پاره‌اش کنم، از بس بدخط بود ولی مهم آن است که تو بدانی ته دلم چه می‌گذرد.

اکنون به پایان چند نامه دقت کنید :

□ چیزهای فراوان دیگری برای نوشتن دارم ولی اگر بخواهم نامه را امروز پست کنم، باید همین‌جا تمامش کنم.
□ می‌دانم که نامه را باید به همین‌جا ختم کنم؛ چون حالم خوب نیست و هنوز هیچ نشده دارم پرت و پلا می‌گویم.



فعالیت ۱

فکر کنید و پاسخ دهید :

از دو متن زیر کدام یک برای آغاز نامهٔ دوستانه مناسب تر است؟ چرا؟

برادر عزیزم!

این روزها بی تاب و دل گرفته منتظر دریافت نامه ات بودم. فکرش را بکن؛ سه ماه بی خبری سخت نیست؟ وقتی تو بودی، هر شب کنارت می نشستم و تو با صمیمیت و محبت، به پرسش هایم پاسخ می گفتی و مشکلات درسی ام را با صبر و حوصله گوش می دادی و من مثل عطش زده ای که به چشمه ای زلال رسیده باشد، جرعه جرعه سخنانت را می نوشیدم.

* * *

برادرم،

بی هیچ رودربایستی باید بگویم تو بی تفاوتی را به حد اعلامی خود رسانیدی. انتظار داشتم در حضور دوستانم از من جانب داری کنی. مگر من برادر و هم خونت نیستم؟ این شرمندگی نیست که چشم در چشم من، مرا محکوم سازی

در نوشتن نامهٔ خصوصی به این نکات توجه داشته باشید :

(۱) طول نامه باید با نوع مناسبات نویسنده و گیرنده متناسب باشد. گاه کوتاهی نامه از کم توجهی حکایت می کند که پسندیده نیست. نامه اگر طولانی شود، ملال آور خواهد بود.
(۲) انتخاب کاغذ مناسب، خط خوانا، سطور مرتب و منظم و پاکیزگی نامه، جلوه ای از حرمت گذاری به گیرنده است.

(۳) در نامهٔ خصوصی رعایت اعتدال شرط است؛ به خصوص اگر هدف گله گذاری یا اعتراض به مخاطب باشد، باید لحنی مناسب انتخاب شود. عجولانه کاری نکنیم که با نوشتهٔ خود موجب آزار دیگران و پشیمانی خود شویم. اگر در حال برآشفستگی نامه می نویسید، از فرستادن آن خودداری کنید و بگذارید چند روزی بگذرد و بعد از گذشت چند روز، برای فرستادن آن تصمیم بگیرید.

(۴) نامه چون مکتوب است و تأثیر آن پایدارتر از گفتار؛ بنابراین، باید مواظب باشیم با

عبارات تند و تلخ مخاطب خود را نرنجانیم. در نظر داشته باشیم که نوشته در دست مخاطب «سندی اخلاقی» است و چه بسا در موقعیتی به زیان نویسنده از آن بهره گیری شود.

(۵) نامه، هرچند خودمانی باشد، نباید به زبان شکسته و محاوره‌ای نوشته شود. شأن نامه این است که در عین سادگی به زبان معیار نزدیک باشد.

(۶) سعی کنید پیش‌نویس نامه خود را حفظ کنید یا نسخه‌ای از نامه‌هایی را که می‌فرستید، برای خود نگه دارید. این نامه‌ها سوابقی از گذر عمر و در حکم خاطراتی به یادماندن هستند. خواندن آنها در لحظاتی از زندگی عبرت انگیز و لذت بخش خواهد بود.



فعالیت ۲

متن زیر را که بخش‌هایی از نامه پدری به پسر نوجوانش است بخوانید و درباره آن، با توجه به توضیحات درس، گفت‌وگو کنید.

فرزندم، از «قریحه دروغین» بپرهیز. بیشترِ زندگی‌های به‌هدر رفته و دوران تلخ پیری علتی جز فریفتگی به این قریحه ندارد. تو را می‌بینم که به سن نوجوانی رسیده‌ای. شانزده، هفده سالگی، سن شدیدترین آشفتگی‌های ذهنی. سن آگاهی به خود و توهم درباره نیروهای خود. در این سن شاید دلت به صدای بلند سخن بگویی و تو نتوانی جوشش‌های آن را مهار کنی.

در این سن، انسان که هنوز ناتوان است و خود را توانا می‌پندارد، به یافتن تکیه‌گاه‌ها و ریسمان‌هایی نیاز دارد و به نخستین یقین و انضباطی که ببیند چنگ می‌اندازد... به هوش باش! در همین سن است - و تو شاید آن را ندانی - که تخیلت صورت واقعیت را تغییر می‌دهد تا جایی که باطل را حق می‌انگارد و غالباً دنباله‌رو سلیقه‌های مصنوعی و موقتی و دل‌خواهی است. این تمایلات را کاملاً اسیل و از آن خود می‌شمارد؛ غافل از آنکه اینها ذاتاً با او بیگانه‌اند.

چگونه می‌توانی خود را از این خطرها حفظ کنی؟ برایت نگرانم. آیا به اندرزهای من گوش خواهی داد؟

نخست آرزو دارم که به نصایح معلمان و اطرافیان و دوستان رانت، همه کسانی که به گمانت روح تو را درک نمی کنند و چه بسا تو را بهتر از خودت می شناسند، بی اعتنائی نکنی.

ولی به خصوص آرزو دارم که از خودت برحذر باشی. مواظب باش که درباره خود به اشتباه نیفتی و فریب ظواهر را نخوری.

سخنم را گوش کن. قریحه! مثالی می زنم. درده یا دوازده سالگی، گمان می کردی که قریحه دریانوردی و اکتشاف سرزمین های ناشناخته را داری؛ زیرا داستان های پرحادثه را می خواندی. اکنون به آن تصورات کودکانه لبخند می زنی. بسیار خوب، در شانزده و هفده سالگی نیز اشتباهات مشابهی در کمین توست. هشیار باش و به تمایلات اعتماد نکن. گمان نبر که هنرمند یا مرد عمل یا قریانی عشق بزرگی شده ای؛ فقط به صرف این که، در کتاب ها یا در زندگی، شاعران کارگردانان بزرگ و عاشقان را تحسین کرده ای. صبورانه جست و جو کن تا به کنه طبیعت پی ببری. بکوش تا اندک اندک شخصیت واقعی خود را بیابی. این کار آسان نیست. بسیاری از مردم دیر به این مرحله می رسند و بسیاری هرگز نمی رسند. صبور باش؛ عجله ای در کار نیست. باید مدت ها جست و جو کنی تا بدانی که کیستی ولی چون حس کردی که خودت را یافته ای، آن وقت همه جامه های عاریت را به دور بیفکن.

(خانواده نبیو، روزه مارتن دوگار، ترجمه ابوالحسن نجفی)

بیاموزیم

در نمونه‌های زیر حرف همزه را با حرف میانجی کوچک «ی» مقایسه کنید.

* مَآذَنَه مسجد، اَرَاثَه گزارش، اَسَاثَه ادب، و...
توضیح آنکه کلمات «مَآذَنَه»، «اَرَاثَه»، «اَسَاثَه» و ... دارای حرف همزه هستند. همزه «ء» یکی از سی و سه حرف الفبای فارسی است و هرچند به «ی» میانجی کوچک (ء) شباهت دارد اما مستقل از آن است. این دو حرف را در مثال‌های «اَرَاثَه گزارش» یا «اَسَاثَه ادب» در کنار هم می‌بینیم.

خودآزمایی

- (۱) با رعایت اصول نامه‌نگاری دوستانه، برای یکی از افراد زیر نامه‌ای بنویسید.
 - ☐ برادرِ اسیرتان که چندین سال است در اسارت به سر می‌برد.
 - ☐ خواهرتان که در شهری دوردست زندگی می‌کند.
 - ☐ دوستی که سال‌هاست او را ندیده‌اید.
- (۲) دو نمونه از نامه‌های دوستانه و خصوصی بزرگان را در کلاس بخوانید.
- (۳) تفاوت واج و حرف را با یک مثال بنویسید.